در شهر | حجت‌الاسلام علی مهدیان

الارض‌المقدسه

یکی از رفقا این روایت را برای بنده نقل کرد که «اَلْفَتا الْحُسَیْنِ بْنَ عَلِی قَبْلَ خُرُوجِهِ إِلَی الْعِرَاقِ بِثَلَاثَةِ أَیَّامٍ فَأَخْبَرَنَاهُ بِهَوَی النَّاسِ بِالْکُوفَةِ وَ أَنَّ قُلُوبَهُمْ مَعَهُ وَ سُیُوفَهُمْ عَلَیْهِ» (بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۴) بعد در توضیح گفت: خیلی وقت‌ها مردم حق را می‌دانند و مصداقش را هم می‌شناسند، اما به رغم میل باطنی‌شان به حق، حاضر نیستند برای حق هزینه کنند و باطل را انتخاب می‌کنند. او می‌گفت: شما که دم از مردم‌سالاری می‌زنید و معتقدید کار را باید به‌دست مردم سپرد، با این مقوله چه می‌کنید؟

نکته‌ای که در پاسخ آن دوست عزیز عرض کردم این بود که بین «مردم‌سالاری» و «آزادی مردم» تفکیک نمی‌کنید. پرسش من این است که آیا مردم‌سالاری یک حقیقتی است که باید به آن دست یافت و آن را ساخت و به آن رسید؟ اساسا چرا نگوییم حکومت‌های مستبدی که به خواست مردم شکل گرفته‌اند نیز مردم‌سالارند؛ یعنی اگر مردم به هر دلیل ولو به اجبار و زور راضی به رضاشاه شدند، باز هم مردم‌سالاری وجود دارد. آن وقت به چه دلیل حضرت امام روز ۲ افروردین را آغاز حکومت الله در زمین می‌داند؟ یا اگر مردم خودشان راضی به استبداد باشند به میل و رغبت خودشان، آیا این مردم‌سالاری است یا استبداد؟

مقوله مردم‌سالاری غیر از آزادی مردم است. آزادی اجتماعی مردم امر ارزشمندی است و باید حفظ شود و البته محدود است به اینکه خودش خودش را نقض نکند. در دین مصادیق دقیق‌تری برای این ملاک برمی‌شماریم. آزادی فردی هم محدود است به احکام و تکالیفی که عقل می‌گوید و در دین مصادیق دقیق‌تری برای این تکالیف عقلی برمی‌شمارید؛ چون فهم بیشتر و بهتری از عالم به واسطه دین به‌دست می‌آید؛ اما آزادی غیر از مردم‌سالاری است. سالار بودن مردم یعنی حاکمیت مردم؛ لذا وظیفه دارد، مردمی که حاکمند؛ یعنی وجه وجدانی‌شان و مردمی که محکومند؛ یعنی این و آن، اما آزادی مردم یک طرف دارد. یکی حکومت را به مردم می‌دهد و یکی مردم را صرفا آزادی می‌سنجد یا همان قیود.

مردم‌سالاری این است که مردم با هویت وجدانی‌شان عنان کارشان را به‌دست بگیرند و اجازه ندهند زید، عمر و بکر بر آنان مسلط شوند. خودشان بر خودشان مسلط می‌شوند. این اتفاق روی دیگر یک قیام است. این کار با هزینه دادن حاصل می‌شود. حضرت امام و مقام معظم رهبری راهبرد اصلی‌شان برای صدور انقلاب به کل عالم استفاده از مردم‌سالاری است. مردم‌سالاری اساسا خودش یک هویت دینی است؛ نیاز به ضمیمه کردن دین هم ندارد. مردم‌سالاری روی دیگر سکه دینی است؛ چون این واقعه یک قیام عمومی است. زمانی مردم در جایگاه وحدت قرار می‌گیرند که قیام کنند. تمام تلاش انقلاب اسلامی برای رساندن حرفش به عالم و همینطور الگوسازی در راهبردی‌ترین نقطه عالم این است که کل مردم را ترغیب کند به این قیام الهی که روی دیگرش سلار شدنشان است. اگر مردم سالار شوند، دیگر کسی نمی‌تواند به زور یا با پیمانکاری یا جوسازی بر آنها حکومت کند. این آرمان بشری خیلی متعالی‌تر از آزادی است. قطعا آردهاش و همینطور نشاه‌اش البته ارادی خواهد بود.

تقریری که حضرت امام از مردم‌سالاری ارائه می‌دهد، خیلی فاخرتر از یک قرارداد اعتباری اجتماعی است و خیلی عمیق‌تر از یک رأی‌گیری صوری است و خیلی جدی‌تر از چند شعار انتخاباتی است. حضرت امام مردم‌سالاری را قدم برداشتن در سلوک یک امت به سمت حضرت حق قلمداد می‌کند. اگر مردم سالار شوند مثل این است که در مملکت، وجود ها، عقل ها و نفس برتر ما حاکم شود و این راه را برای برداشتن قله‌های بعدی باز می‌کند و این اساسا واقع نمی‌شد؛ مگر اینکه به ندای موسای زمان گوش بدهیم که «یا قوم ادخلوا الارض المقدسه التی کتب‌الله لکم» و مگر اینکه این ندای فریننده را در وجود وجود خامه حفظ کنیم که «اِنّ فیها قوما جبارین و انا لن ندخلها حتی یخرجوا منها». اتفاقا با داخل شدن در این وادی، آن خروج رخ می‌دهد. مردم‌سالاری روی دیگر قیام و جهاد است، روی دیگر شکستن قدرت‌های شیطانی عالم است و روی دیگر حل مشکلات داخلی خود ماست. درد امروز ما استکبار پنهانی است. مردم از استکبار آشکار شیطانی رها شده‌اند، اما من از پنهانکاران، راه درمان استقامت است، هزینه دادن می‌خواهد و تا همه به این خواست نرسیم از استکبارهای پنهانکارانه و همراه با تبانی خواص در جامعه ایمانی‌مان خلاص نخواهیم شد.

اطلاعات

کشف توطئه خرابکاری در رفراندم

ملت به امام پاسخ آری داد

رفراندم

اگر مردم به جمهوری اسلامی رأی نمی‌دادند

خواست و اراده مردم یکی از پایه‌های مشروعیت حکومت است

گزارش | حجت‌الاسلام حسین کاظم‌زاده

اگر مردم در رفراندوم سال ۵۸، مشارکت بسیار پایین می‌داشتند و مثلا ۲۰ درصد از واجدین شرکت می‌کردند یا اینکه با مشارکت بالا، اما به جمهوری اسلامی، خیر می‌گفتند، چه می‌شد؟

در اندیشه سیاسی حضرت امام، پاسخ چیست؟
آیا امام پاسخ خیر مردم را می‌پذیرفت؟

دقت کنید که در نگاه امام، جمهوری اسلامی، ثمره حرکت تاریخی انبیاست. آغاز حکومت الله روی زمین است و مقوله‌ای است که حتی از جان امام زمان هم بالارزش‌تر است.

پاسخ این است که در نگاه سیاسی حضرت امام، جمهوریت و اسلامیت، دو روی یک سکه هستند.

«جمهوری» مال اسلام است. «جمهوری» وام‌گرفته از غرب نیست، مربوط به‌خود اسلام است. اینکه امام روی رأی مردم این همه تأکید می‌کند، این ناشی است از معرفتی که به مسئله اسلام داشت.»

تمام اسلام از فروعات تا اصولش از ظاهر تا باطنش به‌دست مردم باید اجرا و اقامه شود. به میزانی که مردم به این امر قیام کنند، اسلام در صحنه جامعه پیاده خواهد شد. و اساسا طرح خداوند متعال برای تحقق اسلام، همین است که از دلان خواست و اراده و قیام مردم، رقم بخورد.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَیِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْکِتَابَ وَ الْمِیزَانَ لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ[1]

«تمام رسولان و مأموران الهی مبعوث می‌شوند تا با قیام مردم، عدالت اجتماعی در جامعه رقم بخورد.»

به تعبیر حضرت امام در همان ایام رفراندوم: «مردم آزادند که به جمهوری اسلامی رأی ندهند؛ البته بدانند که خلاف اسلام و مصلحت خود رأی دادند، ولی اسلام به ما اجازه تحمیل نداده است.»[2]

به همین جهت است که خواست و اراده مردم در نگاه رهبر انقلاب، یکی از پایه‌های مشروعیت هر حکومتی در دوران غیبت محسوب می‌شود:

«در اسلام مردم یک رکن مشروعیتند، نه همه پایه مشروعیت. نظام سیاسی در اسلام علاوه بر رأی و خواست مردم، بر پایه اساسی دیگری هم که تقوا و عدالت نامیده می‌شود، استوار است. اگر کسی که برای حکومت انتخاب می‌شود، از تقوا و عدالت برخوردار نباشد، همه مردم هم که بر او اتفاق کنند، از نظر اسلام این حکومت، حکومت نامشروعی است؛ بنابراین، پایه مشروعیت حکومت فقط رأی مردم نیست؛ پایه اصلی تقوا و عدالت است؛ منتها تقوا و عدالت هم بدون رأی و مقبولیت مردم کارایی ندارد؛ لذا رأی مردم هم لازم است.»[3]

پس اساسا رفراندوم بدون رأی مردم مشروعیتی نخواهد داشت.

همه‌پرسی یک مانور تبلیغاتی و جنگ رسانه‌ای نبوده، یک اعتقاد عمیق توحیدی بوده که در ساخت سیاسی اجتماعی جامعه ما باید به منصه ظهور می‌رسیده و راه جایگزین هم نداشته است.

روایت رهبر انقلاب از نگاه حضرت امام به مراجعه به آرای مردم و انتخابات و... جالب توجه است. ایشان معتقدند که حضرت امام، هم به جهت جایگاه مردمی ویژه‌ای که داشتند و اگر افراد را در مناصب مختلف انتخاب می‌کردند، مردم با همه وجود می‌پذیرفتند و هم به‌دلیل شخصیت تکلیف‌گرایی که داشتند، اگر مراجعه به رأی مردم را وظیفه دینی خود نمی‌دانستند، با مردم تعارف نمی‌کردند.

به‌همین جهت به‌نظر می‌رسد درصورت عدم‌رأی مردم به جمهوری اسلامی در سال ۵۸، امام جمهوری اسلامی را تاسیس نمی‌کردند و تلاش می‌کردند که آرای عمومی را به سمت جمهوری اسلامی سوق دهند و با پشتوانه خواست مردم، حاکمیت خداوند روی زمین را محقق کنند.

۱. ۱۴۰۱/۰۲/۱۴ بیانات رهبر انقلاب در سی‌وسومین سالگرد رحلت امام خمینی
۲. حدید، آیه ۲۵
۳. صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۵۸
۴. بیانات رهبری ۱۳۸۲/۹/۲۶

مکث

رفراندم‌های تاریخ معاصر ایران

در تاریخ معاصر ایران ۵ همه‌پرسی برگزار شده است که نخستین آن در سال ۱۳۳۲ برای انحلال مجلس هفدهم شورای ملی و آخرین آن در سال ۱۳۵۸ برای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

■ در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۳۲، محمد مصدق، نخست‌وزیر وقت با برگزاری یک همه‌پرسی، انحلال مجلس هفدهم را اعلام کرد. این عمل وی علاوه بر اینکه ضربه سنگینی به ملت ایران وارد کرد، سقوط او در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را تسهیل بخشید.

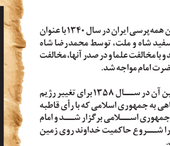

■ دومین همه‌پرسی ایران در سال ۱۳۴۰ با عنوان انقلاب سفید شاه و ملت، توسط محمدرضا شاه انجام شد و با مخالفت علما و در صدر آنها، مخالفت جدی حضرت امام مواجه شد.

■ سومین آن در سال ۱۳۵۸ برای تغییر رژیم شاهنشاهی به جمهوری اسلامی که با رأی قاطبه مردم به جمهوری اسلامی برگزار شد و امام این روز را شروع حاکمیت خداوند روی زمین دانستند.

■ چهارمین همه‌پرسی در سال ۱۳۶۸ برای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. برخی از بندهای قانون اساسی مصوب سال ۵۸ که توسط جمعی از خبرگان مردم، تغییر کرده بود به رأی عمومی گذاشته شد.

از سال ۱۳۶۰ تا دهه ۹۰ بارها پیشنهاد برگزاری همه‌پرسی از سوی روسای جمهور، احزاب و اشخاص مختلف داده اما تاکنون با موافقت نمایندگان مجلس مواجه نشده است و نتوانسته است قانونی دوسوم نمایندگان را به‌دست بیاورد؛ از پیشنهاد حزب کارگزاران در سال ۱۳۷۵ برای برگزاری همه‌پرسی اصلاح قانون اساسی برای توفیق ریاست‌جمهوری ماه‌ماه‌امور هاشمی رفسنجانی تا پیشنهاد اصلاح‌طلبان در سال ۸۱ هم‌پرسی برگزاری رفراندوم برای نظارت استصوابی و اختیارات رئیس‌جمهور.

محمود احمدی‌نژاد نیز در اسفند ۸۸ برای طرح دهه‌دهندی یارانه‌ها و حسن روحانی در دی‌ماه ۹۳ پیرامون مذاکرات برجام پیشنهاد برگزاری همه‌پرسی را دادند.

تحمیل رأی پدران به پسران

گزارش | مهدی علیزاده

بیانات امام‌خمینی(ره) در بحبوحه ابتدای انقلاب در موضوع همه‌پرسی جمهوری اسلامی هم ما را با اندیشه سیاسی ایشان در مسئله انتخابات و مراجعه به آرای عمومی آشنا می‌کند و هم با بعدی مهم از تاریخ معاصر اتصال برقرار می‌شود. البته ما مرگی از این بیانات را انتخاب کردیم و برای تفصیل بیشتر باید به صحیفه امام مراجعه کرد.

امام خمینی(ره) یکی از کارهای دولت موقت را برگزاری انتخابات عنوان کرده و فرمودند: «با اینکه من اعتقادم این است که دیگر احتیاج به رفراندوم نیست و مردم مکرر به جمهوری اسلامی رأی داده‌اند، لکن برای اینکه بهانه‌ها تمام بشود و شمارش را بشود، ما باید آزادانه یک همچو کاری بکنیم تا مردم بدانند، تا همه عالم بدانند که رأی آزاد که مردم می‌دهند به آنه می‌دهند و به چه رژیمی می‌دهند، لهذا من دولت موقت را تعیین کردیم.»[1]

رأی به جمهوری اسلامی

ایشان رأی خود را به‌صورت شفاف و قاطع برای مردم تبیین کردند: «حکومت اسلامی را که از به یاوه یاوه‌گویان گوش ندهید. به حرف‌های قشرهایی که از اسلام هیچ بویی نبرده‌اند و با اسلام مخالفند به حرف‌های آنها گوش ندهید. آنها می‌خواهند ملت را منحرف کنند از مسیر خود. مسیر شما مسیر اسلام است، مسیر شما این است که جمهوری اسلامی را به پا کنید من رأی به جمهوری اسلامی می‌دهم و از شما تقاضا دارم که رأی به جمهوری اسلامی بدهید، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد؛ جمهوری اسلامی.

آنها که در نوشته‌جاتشان از «جمهوری» دم می‌زنند- جمهوری فقط- یعنی اسلام نه. آنهایی که «جمهوری دمکراتیک» می‌گویند یعنی جمهوری غربی، جمهوری اسلامی نه. آنها می‌خواهند بار همان مصایب را بر دامن دیگر برای ما به بار بیاورند. آنها اصلا در این نهضت دخالت نداشتند.»[2]

این رهبر الهی، بلندگویی برای قاطبه مردم بود و می‌دید که مردم اسلام‌خواه می‌خواهند و اسلام هم روی دوش جمهور است که پیش می‌رود و باید جلوی دیکتاتوری با روبند دمکراسی ایستاد.

«اما که امروز به خیال خودشان می‌خواهند سر سفره آماده بنشینند. در این نهضت به هیچوجه دخالت نداشتند. این نهضت را شماها، این نهضت را طبقه محصل، طبقه کارگر، دهقان، بازاری، این نهضت را اینها به بار آوردند و اینها حق دارند. آنها که در خارج بوده‌اند و برای میوه‌چینی آمده‌اند و آنها که در صدرهای بالا نشسته‌اند و منظره‌ها را نگاه کرده‌اند یا کمک کرده‌اند به رژیم و حالا به‌صورت انقلاب آی آمده‌اند، آنها را نپذیرید و نمی‌پذیریم. آنها که قلم‌های مسموم را گرفته‌اند و برخلاف اسلام چیز می‌نویسند و «ملی» و «دمکراتیک»

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۵۸
۲. همان، ج ۶، ص ۳۵۳
۳. همان، ج ۶، ص ۳۵۴
۴. همان، ج ۶، ص ۳۵۴
۵. همان، ج ۶، ص ۳۸۸

می‌دهد رهبر را قبول دارد. ممکن است مخالف او باشد ولی به ساختار نظام اعتماد کرده است. معنا ندارد کسی که به این سازوکار اعتماد ندارد، پای صندوق رأی بیاید و تصمیم خود را اعلام کند. مردم به این ساختار قانونی اعتماد دارند و با اعتماد به همین سازوکار اراده خود را در کشور اعمال می‌کنند. البته عدم‌حضور مردم در انتخابات لزوما به معنای عدم‌اعتماد آنها به نظام نیست؛ یعنی عکس این قضیه صدق نیست. به‌همین دلیل در همان ابتدای انقلاب که مردم در انتخابات رفراندوم با درصد نزدیک به ۱۰۰ درصد شرکت کردند، در انتخابات‌های مربوط به مجلس و ریاست‌جمهوری میزان حضور مردم ۶۰ تا ۷۰ درصد کمتر شده بود. این میزان حضور در انتخابات‌های بعدی ۱۰ تا ۲۰ درصد کمتر یا بیشتر می‌شد. در مجموع در انتخابات‌های مربوط به ریاست‌جمهوری حضور مردم در حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد و در انتخابات مجلس حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد بوده است.

در ۲ انتخابات اخیر با وجود دلایل متعدد برای جلوگیری از حضور مردم چه فشارهای بی‌امان رسانه‌ای مخالفان در داخل و خارج که با هیچ سابقه‌ای در ۴۰ سال قابل مقایسه نبوده، چه بیماری کرونا و مرگ‌ومیر عجیب و غریب در آن زمان و چه کم‌کاری‌ها و بی‌عرضگی‌های مسئولان در عملکرد و حتی برگزاری انتخابات باز هم میزان کاهش آرای مردم کمتر از ۲۰ درصد بود و این خود یک حماسه عجیب و غریب مردمی به‌حساب می‌آمد.

اما به جز این نکته باز هم باید توجه کرد که اگر بنا باشد در داخل خود حکومت رفراندوم برگزار کند، باید این رفراندوم در اختیار رهبر است و اگر رهبر تشخیص بدهد حتی درباره

منتقل می‌شود و اگر پدر رعیت است نیز رعیت‌بودنش به پسرش منتقل می‌شود؛ یعنی فرمانروایی به ارث می‌رسد و غلامی هم به ارث می‌رسد.

امام می‌گوید این چه حرفی است. فرض کنیم پدران ما شایستون تو را پذیرفته باشند که چنین هم بوده، حالا چرا من باید شایستون پسر تو را بپذیرم؟ چه سازوکاری در قانون قرار داده شده است که من او را انتخاب کنم؟ چون پدر من به رضاشاه رأی داده، پسرش حق پیدا می‌کند بر من پادشاهی کند؟ اگر من نخواهم تو پادشاه من باشی، چه سازوکاری وجود دارد که اعمال اراده کنم؟

اما در حکومت ما اساسا پادشاه نداریم. کسی رهبر است که مردم دائم او را با جمعی از نخبگان منتخب خودشان رصد می‌کنند و به‌محض آنکه او را نالایق ببینند، از شخص کنار خواهد رفت.

پس حرف ما درباره قانون و سلطانی است که نسل‌های بعد باید او را بپذیرند به حکم رأی پدرانشان. اما در قانون اساسی ما همه‌چیز با اراده مردم تغییر می‌کند.

در آبان ۵۷ که امام این سخنرانی را انجام داده، رأی مردم برای همه معلوم بود و امام نیز به‌عنوان کسی که پیش از قانون ولایت‌شیعه دارد، حق شرعی داشت که رأی مردم را اعلام کند. این نکته مهمی است چون هر کسی حق ندارد از جانب مردم سخن بگوید مگر اینکه یا قانونی داشته باشد و یا اگر قانون وجود ندارد، حق شرعی داشته باشد. نگاه کنید به انقلاب رئیس‌جمهور موقت که در اتحادنام می‌گوید من این انتخاب را به حکم قانون (چون قانونی وجود نداشته) بلکه به حکم حق شرعی خود انجام می‌دهم و عمل کردن مردم به این حکم من یعنی تبعیت از این دولت نیز عمل به‌شرع است، نه قانون؛ چون هنوز قانون جدید نوشته نشده بود.

لذا اینطور نیست که هر کس از راه برسد ادعا کند و رأی و نظر مردم تغییر کرده است و من فهمیده‌ام و امثالهم. در قانون اساسی ما رهبری به حکم حق شرعی و قانونی که دارد چنین تشخیصی می‌دهد یا اینکه مجلس که وکلای مردم هستند، پیشنهاد می‌دهند. دیگران صرفا اظهارنظر می‌کنند ولی حق شرعی یا قانونی ندارند که از جانب مردم سخن بگویند.

اما نکته دیگر اینکه حضور مردم پای صندوق‌های رأی به‌معنای اعتماد به این ساختار و نظام و قانون شکل گرفته است.

پرسید چرا رأی مردم را رأی به نظام می‌گیرید؟ مگر رهبری نگفت هر کس مرا قبول هم ندارد، پای صندوق رأی بیاید. عرض کردم هم من نگفتم هر کس رأی

جمهوری اسلامی می‌توان دوباره رفراندوم برگزار کرد؛ چون نظر او حاکم بر قانون است. قانون وضع اولیه و عادی را بیان می‌کند. مطلقه‌بودن ولایت‌فقیه همین حکم را هم می‌گیرد و رهبر به رأی مردم انتخاب می‌شود؛ به‌علاوه که خود این اصل هم قابل تغییر با سازوکار قانونی است.

البته اسلام با رأی مردم مشروعیت نمی‌یابد. جمهوریت و مردم‌سالاری هم خودش حکم اسلام است و رأی‌گیری مجدد جمهوری اسلامی یعنی بساست مردم متعهد به اسلام شوند؛ تعهدی مجدد. این نکته را امام در سخنرانی‌های خود قبل رفراندوم ۵۸ تبیین کرده. اینکه در قانون اساسی بگوییم قانون اسلام بدون رأی‌گیری لزوما اجتهاد است، حرف غلطی نیست. به‌علاوه که مردم مسلمان ایران بعد است بر خود دیرانی عقاید دینی‌شان را کنار بگذارند ولو احتمال‌های رأی‌شی در ذهن عده‌ای وجود داشته باشد.

نکته هز زمان به حکم یک مقام منتخب با رأی مردم حق رفراندوم در هر مسئله‌ای حتی کلیت نظام وجود داشته باشد، خوب است. اما چرا حتی رفراندومی درباره کلیت نظام در جامع جامعه دمکرات و آزاد در دنیا متداول نیست؟

پاسخ این است که در همه دنیا حضور و مشارکت مردم در انتخابات‌ها معنایش این است که مردم به نظام موجود برای تغییرات مندرشان اعتماد دارند و این شاخص مشروعیت است؛ مشروعیت به‌معنای مقبولیت و رضایت عمومی. در ایران این شاخص قابل مقایسه با هیچ کشوری در دنیا نیست. وقتی مردم در انتخابات شرکت می‌کنند، یعنی ولو موافق نظام نباشند، اما به او اعتماد دارند.

کلا بهانه برای رفراندوم زیاد است. یک بهانه تغییر نسل است. من می‌توانم فردای هر رفراندومی که امام خمینی مردم پشیمان شده‌اند یا دعا کنم کسانی که تازه به سن قانونی رسیده‌اند، مخالف نظامند. ادعا که رأهش بسته نیست. معقول اما این است که قاعده قرار برای تغییر نظام درنظر گرفته شود. همانطور که برای تغییر قانون نیز راهکار قانونی درنظر گرفته شده.

البته یک نکته حاشیه‌ای هم اینکه باید بار پهی بیدا کنیم که بعد از رفراندوم‌های احتمالی و فردای آن روز عده‌ای مثل سال ۸۸ دبه نکنند. والا رفراندوم هم فایده‌ای برای بستن دهان خیلی‌ها ندارد. همانطور که حضور مردم در انتخابات راهی‌شان نمی‌کند و همیشه طلبکارند.

بعد از این مباحثه یک لحظه احساب کردم چقدر نظام جمهوری اسلامی مظلوم است. در عین اقتدار و تشعشع چه اندازه مظلوم است. جالب است که بیشتر کسانی این همه تهمت را به نظام اسلامی می‌زنند که پادشاهی آمریکا را بر کل دنیا پذیرفته‌اند و تلویزیه می‌کنند. پادشاهی چند کشور پولدار و زوردار را بر کل بین‌الملل پذیرفته‌اند، به حکم اینکه آمریکا قدرتمند است و پولدار، پادشاهی او را معقول و مشروع می‌دانند.

یادداشت | سیدمحمد حسین حجازی

روایت مجری رفراندوم

صادق طباطبایی، سیاستمدار و روزنامه‌نگار ایرانی بود. وی از افراد تأثیرگذار در سال‌های پیش و پس از انقلاب اسلامی ایران بوده و سخنگویی دولت موقت ایران در دوره مهدی بازرگان را نیز برعهده داشته است. او همچنین به‌عنوان معاون وزیر کشور اجرای همه‌پرسی نظام جمهوری اسلامی در ایران (فروردین‌ماه ۱۳۵۸) را برعهده داشته است. خاطرات او، یکی از منابع مهم در شناخت رفراندوم جمهوری اسلامی است.

۱۲ روز از پیروزی انقلاب نگذشته بود که مرحوم حاج احمدآقا خمینی گفتند، امام می‌گویند رفراندوم باید هرچه زودتر برگزار شود. من با آقای دکتر صدر حاج‌سیدجوادی در وزارت کشور دیدار کردم و پیام امام را به ایشان دادم. وزیر کشور گفت: «ما الآن تشکیلات سالم اداری در کشور نداریم؛ حتی پاسبان‌ها نمی‌توانند با لباس و اونیفورم سابق سر کار بروند و نه ابزار بی‌سیم و ماشین دارند. کلانتری‌ها هم اکثرا در روزهای اخیر به‌شدت آسیب دیده‌اند. در مراکز استان‌ها و شهرها هم استانداران و فرمانداران هنوز مستقر و مسلط به اوضاع نشده‌اند. انجام امر امام چند ماهی فرصت نیاز دارد.» من مطلب را به احمد آقا طی یک تماس تلفنی اطلاع دادم. کمی بعد ایشان تلفن کرد و گفت: «امام می‌فرمایند، اگر کمی بچسبید، این کار انجام می‌شود.» ۲ روز بعد احمدآقا مجددا زنگ زد و گفت: «امام می‌گویند قصه رفراندوم به کجا رسید؟» خدمت ایشان در قم رسیدم و گفتم که اصلا رفراندوم می‌خواهید که کار؟ زدیم زیر کل ماجرا (خاخنده) گفتم که دنیا انقلاب اسلامی را قبول کرده و مردم هم پذیرفته‌اند و در خیابان یک‌صدا فریاد «جمهوری اسلامی» می‌دهند؛ هرچه شما بگویید و بخواهید همان می‌شود؛ بنابراین چرا رفراندوم برگزار کنیم؟ امام گفتند که شما نمی‌فهمید. ۳۰ سال بعد می‌گویند که در آن فضای احساسی بر شعور مردم سوار شدند و نظر خود را به مردم براساس عواطف دیکته کردند. بعدا دیدیم که حرف‌ام چقدر درست بود. بعد ما گفتیم که پس حداقل ۶ماه فرصت بدهید تا دولت مستقر شود. امام گفتند که نه، همین تعطیلات عید که در پیش است، برگزار کنید. گفتم: نمی‌شود. گفتند: چرا می‌شود. شما خودت انجمن جی‌هستی و کار تشکیلاتی کرده‌ای. برو در وزارت کشور به سبک انجمن‌های اسلامی کارها را انجام بده. مرحوم صادق طباطبایی روز ۱۷ اسفند ۵۷ به همراه چند نفر از دست‌اندرکاران ستاد مرکزی رفراندوم حضور امام رسیدند. وی درباره رأی‌گیری در نقاطی که صعب‌العبور بود، چنین می‌گوید: «ما یک پل ارتباطی بین مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ برقرار کردیم و با هواپیماها و هلی‌کوپتر و خیلی جاها با قاطر برگ‌ها را به جاهایی که نرسیده بود، رساندیم. باز هم‌ما گزارش‌های رسیده که گروه‌های ضدانقلاب چریک‌های فدایی خلق و مجاهدین خلق اقداماتی کرده و برگه‌ها را این برده بودند. متأسفانه با وجود تدابیر امنیتی در گنبد، ترکمن صحرا، سقز، سنندج و مهاباد نگذاشتند رفراندوم برگزار شود؛ حتی به اصوبیل هیات حسن‌نیت و نمایندگان اقای طالقانی هم حمله کردند که خوشبختانه به آنها آسیبی نرسید. در سنندج اکیپی شامل ۴ پزشک و ۲ پرستار که برای مداوای مجروحان رفته بودند، مورد حمله قرار گرفته و کشته شدند.» صادق طباطبایی در خاطرات خود درباره رأی دادن برخی وابستگان به رژیم پهلوی در زندان چنین می‌گوید: «مأموران وزارت کشور با صندوق‌های سیار به بیمارستان‌ها و زندان‌ها می‌رفتند از نکات جالب اینکه امیرعباس هویدا در زندان درخواست کرده بود رأی بدهد که برگه به او داده شد و او هم رأی آری به جمهوری اسلامی داد.»

جمعا از ۱۵۰۰ رأی قرائت‌شده در زندان‌های سیاسی همه آنها مثبت بود و رأی منفی از آن خارج نشد.

نتیجه این همه‌پرسی توسط احمد صدر حاج‌سیدجوادی، وزیر وقت کشور به این شرح اعلام شد:

شرکت‌کنندگان: ۲۰ میلیون و ۲۸۸ هزار و ۲۱ نفر
آرای مثبت: ۲۰ میلیون و ۱۴۷ هزار و ۵۵ رأی
آرای منفی: ۱۴۰ هزار و ۹۶۶ رأی

بدین‌ترتیب مجازات‌ها در ۲۰ سال پیش و در چنین روزهایی از طرف مردم جمهوری اسلامی اعلام شد. طباطبایی در خاطراتش می‌نویسد: «۴۱۲ یا ۴۱۳ نفر هم خواهان جمهوری دمکراتیک خلق بودند.

واجدان شرایط شرکت در انتخابات ۲۰ میلیون و ۸۵۷ هزار و ۲۹۱ نفر بودند که از این تعداد ۲۰ میلیون و ۳۰۹ هزار و ۵۹۵ نفر در انتخابات شرکت کردند که با توجه به تعداد شرکت‌کنندگان حدود ۹۸ و ۲ دهم درصدی را در این انتخابات شاهد بودیم.

تجربه رفراندوم در جهان

برگزیت با حدود ۵۲ درصد

یکی از مهم‌ترین همه‌پرسی‌های جهان، رأی‌گیری «برگزیت» بود که بازتاب‌های آن هیجدان ادامه دارد. پادشاهی متحد بریتانیای کبیر شامل کشورهای انگلستان، ولز، اسکاتلند و ایرلند شمالی طی تصمیمی که تمامی اروپا را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد در ژوئن ۲۰۱۶ همه‌پرسی خروج از اتحادیه اروپا را برگزار کرد. پس از یک روند انتخاباتی پر تنش، همه‌پرسی با میزان مشارکت ۷۲.۲ درصدی انجام شد. ۱۸.۹ درصد از آرا به خروج از اتحادیه اروپا موسوم به «برگزیت» رأی موافق دادند و ۴۸.۱ درصد نیز مخالف آن بودند. به رغم آنکه درصد آرای موافق و مخالف بسیار به هم نزدیک بود نتیجه همه‌پرسی به مشاجره گذاشته نشد و تنها بحث‌های سیاسی و حقوقی بر سر روند اجرای آن صورت گرفت. اگرچه نتیجه همه‌پرسی التزام حقوقی نداشته و تنها از ماهیت پیشنهادی از جانب دولت برخوردار بود ۲۹ مارس به‌دلیل تناسب با اراده ملی به‌صورت رسمی آغاز به‌کار کرد. جو کاکس، نماینده حزب کارگر و حامی ماندن در اتحادیه اروپا در روند برگزیت به ضرب چاقو کشته شد. برخی صاحب‌نظران رخدادهایی نظیر خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا را ناشی از فراگیر شدن نئوناسیونالیسم در آن کشور می‌دانند.

اسکاتلند

همه‌پرسی استقلال اسکاتلند از بریتانیا در سال ۲۰۱۴ پس از یک روند کمپین تبلیغاتی گسترده صورت گرفت. میزان مشارکت در این رفراندوم ۸۵.۵ درصد بوده و تنها ۴۴.۷ درصد رأی به استقلال و ۵۵.۳ درصد از آن رأی دهندگان نیز رأی به ماندن در بریتانیا دادند. در پی این همه‌پرسی طرفین بر سر این موضوع که تا زمانی که «تغییرات دمکراتیکی» صورت نگیرد موضوع استقلال مطرح نخواهد شد به اتفاق نظر رسیدند. اما دولت منطقه‌ای اسکاتلند پس از برگزیت که یک تغییر دمکراتیک به‌شمار می‌رود خواستار برگزاری همه‌پرسی مجدد شده است. درخواستی که هنوز مورد قبول دولت انگلستان قرار نگرفته است!!!

سوئیس

مردم سوئیس در سال ۲۰۱۶، به همه‌پرسی‌ای رأی مثبت دادند که طبق آن مهاجرت از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به این کشور با محدودیت روبه‌رو شد.

نتیجه این همه‌پرسی نیز با ۱۹ هزار و ۱۶۰ رأی اختلاف رقم خورد و براساس آن ۵۰.۳ درصد از شرکت‌کنندگان رأی «آری» و ۴۹.۷ درصد رأی «نه» را به صندوق‌ها انداختند.

در سوئیس ۹۰.۱۲ درصد مشارکت‌کنندگان به تصویب نرسید. ۴۰.۸ درصد رأی‌دهندگان نیز به این همه‌پرسی «آری» دادند. مانورنزی، نخست‌وزیر ایتالیا در پی شکست در این انتخابات استعفا داد پس از استعفای رنزی، پائولو جنتیلونی هم‌حزبی وی مسئولیت تشکیل کابینه را بر دوش گرفت.

ایتالیا

ایتالیا نیز در ۴ دسامبر ۲۰۱۶، شاهد همه‌پرسی تغییر کلی قانون اساسی این کشور بود. تغییرات ۴۷ ماده از قانون اساسی ایتالیا محدود کردن اختیارات سنای جمهوریت این کشور و سرعت بخشیدن به روند قانونگذاری در ایتالیا و از سوی دیگر قدرت بخشیدن به دولت مرکزی را پیش‌بینی می‌کرد. این همه‌پرسی با مشارکت ۵۶.۴۷ درصدی مردم ایتالیا انجام شد و با رأی «نه» از سوی ۹۰.۱۲ درصد مشارکت‌کنندگان به تصویب نرسید. ۴۰.۸ درصد رأی‌دهندگان نیز به این همه‌پرسی «آری» دادند. مانورنزی، نخست‌وزیر ایتالیا در پی شکست در این انتخابات استعفا داد پس از استعفای رنزی، پائولو جنتیلونی هم‌حزبی وی مسئولیت تشکیل کابینه را بر دوش گرفت.

سوئد

مردم سوئد نیز در ۲۰۱۳ در مورد ورود به منطقه یورو برای استفاده از واحد پول مشترک اتحادیه اروپا «یورو» به پای صندوق‌ها رفتند که در نتیجه آن ۵۶ درصد از شرکت‌کنندگان با این امر مخالفت کردند.

روند این همه‌پرسی بسیار پر تنش بود به‌طوری که آنا لیند